

خلاصه‌ای از

یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد

امثال قرآن

حجت‌الله مهدبی

لحافظون» (سوره مبارکه حجر، آیه ۹) و با گذشت زمان، فرسوده و مندرس نشود و بادهای مخالف، آن را از پای درنیارود. دستوراتش جامع و قابل اجرا تا قیامت است. در این مجموعه کوشیده‌ام، در خصوص امثال قرآن کریم که خود یکی از ابعاد اعجاز این کتاب عظیم به شمار می‌آید، گردآوری مختصری داشته باشم و در این باره، از ارشادات استاد محترم دانشگاه، مهندس میرزایی (استاد راهنما) کمال تشکر و سپاس را دارم.

* فهرست این مجموعه شامل دو فصل است. فهرست فصل اول عبارت است از: منظور از مثل، مثل در قرآن مجید، کاربرد استعمال مثل، نقش مثل در تبیین مسائل، انواع مثل و شقوق آن، مثل از دیدگاه علمای ادب، ضرب‌المثل یا امثال سائره، ضرب‌المثل‌های جهانی، تمثیل، امثال سائره از قرآن مجید، امثال سائره قرآنی در زمان حاضر، امثال فارسی مقتبس از قرآن، سخنان مؤلفان در باب امثال قرآن، امثال نبوی در باب قرآن و ائمه اطهار (علیهم السلام)، نمونه‌ای از سخنان علی (ع) در باب امثال.

فهرست فصل دوم عبارت است از: آیات امثالی در خصوص مثل در مورد منافقین، مثل در مورد موجودی کوچک، مثل در مورد قلوب کفار به مانند سنگ، مثل در مورد حضرت عیسی (ع) و حضرت آدم (ع)، مثل در مورد روشنائی

این مجموعه شامل دو بخش است: بخش اول، در مورد واژه «مثل»، بررسی دیدگاه‌هایی که در این باره وجود دارند، منفرعات آن، آثار مؤلفان در خصوص امثال قرآن، سخنان بزرگان و در نهایت، زینت بخشیدن این بخش به سخنان امیرالمؤمنین علی (ع) در خصوص امثال است.

بخش دوم، شامل آیات امثال قرآن و نظراتی است که مفسران عامه و خاصه در زمینه آیات امثالی قرآنی اظهار داشته‌اند. در پایان هر آیه، نظر علامه طباطبایی (ره) را آورده‌ایم.

* امثال قرآن بر ساس ترتیب سوره‌های قرآن است و اسمای آن با استفاده از کتاب‌های امثال قرآن لابن قیم جوزیه و علی اصغر حکمت و معانی آیات، انتخاب شده است.

در قسمتی از پیشگفتار آمده است: «وتلك الامثال نضرُ بها للناس لعلهم يتفكرون» (سوره مبارکه حشر، آیه ۲۱). قرآن کتابی است آسمانی و سخن آن سخن خداست که آفریننده همه جهانیان است؛ کتابی که بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اکرم (ص) و معجزه جاودانه وی است. قرآن کتابی است که عصاره و چکیده و مکمل کتاب‌ها و مصحف همه پیامبران در طول تاریخ است؛ کتابی همیشه زنده، همیشه نو، و جاوداتی که کهنگی ندارد: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له

و تاریکی، مثل در مورد سرچشمه اعمال خوب و بد، مثل در مورد خارج شدن از آیات الهی، مثل در مورد این جهان و باران و گیاه، مثال در مورد کور و کر، و بینا و شنوا، مثل در مورد آب و آتش در حق مؤمنین، مثل در مورد بهشت، مثل در مورد اعمال کافران، مثل در مورد درخت خوب و بد، مثل در مورد اعلی خداوند، مثل در مورد بنده و آزاده، مثل در مورد ویران شدن دهی آباد، مثل در مورد توانگر و درویش، مثل در مورد نورالهی، مثل در مورد سراب و ظلمات، مثل در مورد پیغمبر (ص)، مثل در مورد تشبیه انسان کافر به حیوان، مثل در مورد خانه عنکبوت، مثل در مورد بندگان زرخیز، مثل در مورد اصحاب قریه، مثل در مورد استخوان پوسیده، مثل در مورد مشرک و موحد، مثل در مورد عقیده خرافی اعراب، مثل در مورد فرزند حضرت مریم، مثل در مورد پیروان حق و باطل، مثل در مورد بهشت و نهرهای آن، مثل در مورد پیامبر اسلام و یارانش، مثل در مورد زندگی دنیا، مثل در مورد شباهت حال به گذشتگان، مثل در مورد عظمت قرآن، مثل در مورد یهودانی که از کتاب بهره‌هایی نبردند، مثل در مورد زنان نیک و بد.

خلاصه‌ای از فصل اول منظور از مثل

آنچه در لسان اهل ادب به مثل تعبیر می‌شود، عبارت است از، تشبیه امری یا چیزی به امر یا چیزی دیگر، تا از آن فایده‌ی معنوی حاصل شود.

جمع کلمه **مَثَل** «امثال» است و: «ومثل الشيء بالشيء سواء وشبهه به جعله مثله و علی امثاله». کلمه **مَثَل** همه جا تشبیه شی به شی است و بعد از آن که یک جمله تشبیه صورت کامل حاصل نمود، کلمه **مَثَل** را بر آن جمله اطلاق کنند. اصطلاح **مَثَل** برای سخنان سائره و کلامی که بر زبان‌ها روان باشد نیز ثابت و مقرر شده است. معنی **مَثَل** در «فرهنگ عمید» چنین آمده است: اندازه، مقدار، مانند، شبیه، فرمان، حکم، قصاص.

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «تصریف امثال به معنای برگرداندن است و دوباره آوردن، و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است و **مَثَل** به معنای توصیف مقصود است به چیزی که آن را مجسم و ممثل کند و ذهن شنونده را به آن نزدیک گرداند و کلمه **مَن** در جمله: **مَن** کل

مثل ... (سوره کهف، آیه ۵۴)، برای ابتدا غایت است. مراد این است که ما هر مثلی را که روشنگر راه حق و راه ایمان و شکر باشد، برای ایشان بیان کردیم، ولی بیش تر مردم جز راه کفران نپیمودند و این کلام در مقام توییح و ملامت است. ^۱ و همچنین می‌فرماید: «کلمه **مَثَل** به معنای وصفی است که چیزی را در آن حالی که هست مجسم کند، چه این که آن وصف واقعیت خارجی داشته باشد و چه این که صرف فرض و خیال باشد؛ مانند **مَثَل**‌هایی که در قالب **گفت و گوی** حیوانات یا جمادات با یکدیگر می‌آورند و **ضرب المثل** در آیه ۷۳ سوره حج. (یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ...) به معنای این است که مثل در اختیار طرف بگذارید و کانه پیش روی او نصب کنی، تا در آن تفکر و مطالعه کند، مانند **خیمه** که معنایش نصب آن است برای سکونت. ^۲»

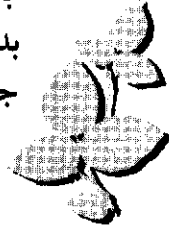
مثل در قرآن مجید

کلمه **«مَثَل»** در هشتاد آیه و کلمه **«مَثَل»** در هشتاد و یک آیه در قرآن مجید آمده است. هر دوی این کلمات به «امثال» جمع بسته می‌شوند، مانند این آیه شریفه: «ان الذین تدعون من دون الله امثالکم». (۱۹۴/۷) یا در آیه «تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون» (۵۹/۲۱).

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید:
«تصریف امثال به معنای برگرداندن است و دوباره آوردن، و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است و **مَثَل** به معنای توصیف مقصود است به چیزی که آن را مجسم و ممثل کند و ذهن شنونده را به آن نزدیک گرداند



**انسان چون همواره
در زندگی خود بیش تر با امور
محسوس سروکار دارد،
خداوند متعال هم سعی داشته
است که او را به
وسیله همین امور روزمره،
به خود و هدایتش فراخواند و
بدین جهت، به «مثال» تمسک
جسته است**



امام فرمود: «آن پوست، هم عین پوست اول است و هم غیر از آن.»
سؤال کننده قانع نشد و از این پاسخ نتوانست چیزی بفهمد. ولی امام (ع) با ذکر یک مثال گویا آن چنان مسأله را روشن ساخت که جایی برای گفت و گو باقی نماند. فرمود: «ملاحظه کن، یک خشت پوسیده و فرسوده را خرد می کنی و سپس همان خاک را گل کرده و در قالب می ریزی و یک خشت نو از آن می سازی. این همان خشت اول است و از یک نظر غیر از آن.»

آثار مؤلفان در باب امثال قرآنی

از میان کتاب هایی که علما و بزرگان اسلام در باب امثال قرآنیه مستقلاً تألیف کرده اند، کتاب های زیر شایسته ذکر هستند:

۱. امثال القرآن، امام ابوالحسن الماوردی.
۲. امثال القرآن، مهذب الدین محمد بن علی العلی المزیدی.
۳. امثال القرآن، ابو عبدالرحمن محمد بن حسن السلمی النیشابوری.
۴. امثال القرآن، ابو محمد بن احمد بن الجنید آلسکافی.
۵. امثال القرآن، ابن القیم الجوزیه.
۶. قراضة الایریز فی امثال الکتاب العزیز، بدرالدین حسن.
۷. روضة الامثال، احمد بن عبدالله الکوز کنانی النجفی.
۸. امثال القرآن، لجنیدین محمد القواریری.
۹. امثال القرآن، النفظویه.
۱۰. امثال القرآن، هانی الادب العربی القرن الثالث الهجری لتوری الحق تنویر.
۱۱. امثال القرآن، دکتر محمود بن شریف، دارالمعارف، مصر.
۱۲. امثال القرآنیه، عبدالرحمن حسن حینکه المیدانی، دارالقلم، دمشق (بیروت).
۱۳. امثال قرآن، علی اصغر حکمت، ۱۳۳۳، چاپخانه مجلس.

نتایج پایان نامه

۱. مثل به معنای تشبیه امری به امر دیگر یا چیزی است به چیز دیگر تا از آن فایده ای حاصل شود.
۲. مثل به این معنای آمده: اندازه، مقدار، مانند، شبیه،

کلمه مثل در قرآن به پنج معنی آمده است:
اول) به معنی «حکایت تمثیلی»، مانند: «واضرب لهم مثلاً رجلین...» (۳۲/۱۸).
دوم) به معنای داستان های گذشته و تواریخ ایام ماضیه به اعتبار آن که محل تأمل و عبرتند، مانند: «ولما یا تکم مثل الذین...» (۲۱۴/۲).
سوم) به معنای شبیه مثال، مانند: «واذا بشر احدهم بما ضرب...» (۱۷/۴۳).
چهارم) به معنای صفت، مانند: «الذین لایؤمنون بالآخره مثل السوء...» (۶۰/۱۶).
پنجم) به معنی نمونه کامل، مانند: «ان هو الاعد انعمنا علیه...» (۵۹/۴۳).

نقش مثال در تبیین مسائل

- مسائل را حسی می کند.
 - راه را نزدیک می کند.
 - جنبه فراگیر دارد.
 - درجه اطمینان به مسائل را بالا می برد.
 - لجاجت را خاموش می سازد.
- در یکی از روایات می خوانیم که یکی از مادی ها (زناده) خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: «خداوند می فرماید: هر زمان که پوست تن دوزخیان از شدت آتش بسوزد، ما پوست دیگری بر آن ها می پوشانیم تا طعم عذاب را به خوبی بچشند. گناه آن پوست دیگر چیست که آن هم مجازات شود؟!»

فرمان، حکم، قصاص، روش‌ها، عبرت و پند و وصف و تعریف، عذاب، دلیل.

۳. به وسیله مثال، انسان می‌تواند به مسائل اطمینان پیدا کند، کسانی را که با او لجاجت می‌ورزند، خاموش سازد؛ نکات تاریک را روشن می‌کند، ارزش مطلبی را که مثال زده در دل‌ها زیاد می‌کند.

۴. برای هر کدام از معانی و مطالب بالا در بخش آیات و امثال، در تفسیر و تبیین آیات توضیحات کافی داده شده است.

۵. دیگر از اقسام مثل، «مثل سائره» است و آن این است که یک جمله کوتاه به نثر یا نظم، درباره پندی یا دستوری یا قاعده‌ای اخلاقی، مورد تمثیل خاص و عام گردد، و آن چنان آن را ساده و روان کند که همگی از آن استفاده کنند.

۶. در قرآن شریف، مثل به معنای حکایات تمثیلی، داستان‌های گذشته که محل عبرت است، شبیه مثال و وصف و نمونه کامل آمده است.

۷. اهمیت امثال قرآن تا حدی است که بزرگان و ائمه اطهار (علیهم السلام)، از خداوند فهم معانی آن را طلب می‌کردند.

۸. مجموعه امثال قرآن، به سوی خدا دعوت و به صراط مستقیم رهبری می‌کنند.

۹. همه آن‌ها جزو اصول معارف الهیه هستند.

۱۰. عنایت قرآن مجید و سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام)، در مورد امثال، حکایت از عظمت آن‌ها دارد.

۱۱. انسان چون همواره در زندگی خود بیش‌تر با امور محسوس سروکار دارد، خداوند متعال هم سعی داشته است که او را به وسیله همین امور روزمره، به خود و هدایتش

به وسیله مثال،

انسان می‌تواند به مسائل اطمینان

پیدا کند، کسانی را که با

او لجاجت می‌ورزند،

خاموش سازد؛ نکات تاریک را

روشن می‌کند،

ارزش مطلبی را که مثال زده در

دل‌ها زیاد می‌کند

فراخواند و بدین جهت، به «مثال» تمسک جسته است.

۱۲. در بعضی آیات، چه کفار چه آن‌هایی که از صراط مستقیم دورند، از مثال به عنوان وسیله مثال استفاده کرده‌اند تا غرض پوچشان را اثبات کنند. بنابراین، خداوند متعال هم در همه جا به وسیله دلیل ضعیفی شان را اعلام می‌دارد.

۱۳. خداوند متعال از این که ضعف منحرفان را کاملاً اثبات کند، حتی از این ابا نداشته است که به کوچک‌ترین مثال هم تمسک جوید.

۱۴. چنین به نظر می‌رسد که خداوند متعال، گاهی مثل را برای این که شنونده به امر و چیزی دیگر یا داستانی از داستان‌های گذشتگان توجه کند، به کار گرفته است.

۱۵. گاهی مثل به عنوان این که خداوند بزرگ، موجودی را به صفتی توصیف کند، مورد استفاده قرار داده است.

۱۶. خداوند بزرگ، برای این که از بسط کلام جلوگیری کند و آن را به طور اختصار بیان کند، از مثال بهره گرفته و این شیوه در قرآن شایع است.

۱۷. در قرآن، هر مثلی که تمام خصوصیاتش بر مطلب منظور منطبق شده باشد، به طور کامل ذکر شده است و هر مثلی که قسمتی از آن با موضوع منطبق شده باشد، تنها به ذکر ماده آن اکتفا شده است؛ زیرا عرض آن با ذکر آن حاصل می‌شود.

۱۸. به نظر می‌رسد که در مواردی، خداوند متعال به وسیله امور موسوسه، به امور عقلانی و مفاهیم عقلی عنایت داشته است تا بدین وسیله، تفهیم مثال برای انسان‌ها آسان باشد.

۱۹. در مثل زدن می‌توان، هم از امثال حسنه بهره گرفت و هم از امثال سوء و بد.

۲۰. از ذات حق است که امثال خوب و عالی صادر می‌شود.

۲۱. تنها خداوند حکیم و علیم است که به رموز امثال و شقوق آن دانا و آگاه است.

۲۲. مثل به معنای وصف آمده است که هر چیزی را در آن حالی که هست، مجسم کند؛ چه آن وصف واقعیت خارجی داشته باشد و چه صرف فرض و خیال باشد.

۲۳. اهمیت فهم معانی امثال تا بدان جاست که خداوند می‌فرماید، فقط عالمان هستند که آن را درک می‌کنند.

۲۴. مثل به عنوان انداز و تبشیر هم آمده است.

نسخه‌ای از این پایان‌نامه در «پژوهشکده تعلیم و تربیت سازمان آموزش و پرورش استان گیلان» موجود است.

